

سهم ایران در تمدن بشری

عزت‌ا... نوذری*

چکیده:

ایران زمین در پیوند دیرینه خود با تمدن‌های بزرگ جهان، همواره به داد و ستدی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مشغول بوده است. شاید هیچ تمدنی در بستر تاریخی خود، چنین حجم عظیمی از مبادله در ابعاد گوناگون را مشاهده نکرده باشد. در این مقاله سعی شده است تا به اختصار به بررسی روند مبادلات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی میان حوزه تمدن ایرانی با جهان خارج در مقاطع و دوره‌های زمانی گوناگون پرداخته شود.

کلید واژه‌ها: اشکانیان، امویان، جندی‌شاپور، ساسانیان، سلجوقی، سلوکوس،

صفوی، عباسیان، عیلام، کورش، مشروطه، مغول، هخامنشیان، یونان

مقدمه

در سیر تحولی تمدن (۱) باستان، هفت اختر تابناک، مشعل دار تمدن‌های قرون و اعصار کهن هستند که در بسترهای مساعد جغرافیایی زیر تکوین یافته‌اند: ۱- سرزمین میان دجله و فرات (میان‌رودان) ۲- قسمت شمالی دو رود جیحون و سیحون (فرا رودان) ۳- حوزه رود نیل ۴- حوزه رودخانه زرد ۵- حوزه دریای مدیترانه ۶- حوزه دریا‌های سرخ، اژه و سیاه و ۷- ایران. برخی محققان براین باورند که قدمت تمدن حوزه میان‌رودان از سایر تمدن‌ها طولانی بوده و گاه پا را فراتر نهاده و معتقدند تمدن از این سرزمین به سایر مناطق سرایت کرده و تأثیر گذارده است. که به نظر می‌رسد این ادعا، صرفاً افسانه‌ای ساخته و پرداخته نظریه پردازان غربی باشد. مسأله اصلی، نشان دادن اشتراک قومی - فرهنگی اقوام ساکن این سرزمین‌ها با یکدیگر است، نه اثبات قدمت فرهنگی یک قوم یا یک سرزمین معین. آثار و اسناد به جا مانده از روزگاران کهن نیز نشان می‌دهد که هنر و علوم، فنون، ادیان و... به موازات هم در یک منطقه خاص، رشد و تکامل نیافته‌اند و حتی محل ظهور، الزاماً خاستگاه نمی‌تواند باشد. چه بسا پیشرفتی در یک زمینه، در سرزمین و میان قوم معینی حاصل شده باشد اما به علت شرایط محیطی، سال‌ها بعد در سرزمین و میان قوم دیگری انتشار یافته و به کار گرفته و یا ظاهر گردد.

ایران، کانون برخورد تمدن‌ها

قرار گرفتن ایران در کانون جغرافیای جهان، همواره باعث برخورد اقوام و فرهنگ‌های جهانی در این سرزمین، با یکدیگر شده است. دولت عیلام که بر پهنه رود کارون شکل گرفت، اولین دولتی است که از هزاره چهارم پیش از میلاد وارد تجارت بین‌المللی شد.

شوش، پایتخت عیلام در جنوب فلات ایران، پیش از پیدایش فرمانروای‌های هند و ایران، یکی از چهارراه‌های بزرگ و کانون‌های بازرگانی و اقتصاد جهانی به شمار می‌آمد. (۱۲) عیلام از یک طرف با میان‌رودان (۳) و از طرف دیگر با آسیای صغیر و هند، روابط بازرگانی داشت و تمدن و فرهنگ میان‌رودان نیز از میانه هزاره سوم پیش از میلاد، از طریق نجد ایران و خلیج فارس و دریای عمان، به دره سند و حتی از آسیای میانه، به شمال چین نیز می‌رسید. کاوش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در عیلام مشاغلی همچون رنگرزی، فلزکاری، درودگری، ساخت

ظروف لعابدار، صنعت کاشی سازی با رنگ های آبی، سبز و یا سفید، چینی سازی، شیشه گری و پارچه بافی، بسیار پیشرفت کرده بود. تولیدکنندگان مس، قلع، سرب، چوب و سنگ های ساختمانی، تولیدات خود را به سرزمین های میان رودان و هند صادر می کردند. در همین دوره، آشوریان از شهرهای عیلام فرآورده های برنجی، طلا، نقره و دیگر کالاهای پیشه وری، مانند پارچه های کتانی و سنگ های گران بها را وارد می کردند. (۴)

با ورود اقوام هندی و ایرانی (مادها، پارس ها و پارت ها) راه های موجود در فلات ایران نه تنها حفظ شدند، بلکه گسترش یافتند و دامنه آن در زمان هخامنشیان، تا خاور و باختر جهان امتداد یافت. در دوره مادها، اکباتان کانون راه های بازرگانی شد. جاده شاهی با چاپاری و پستی (پیک های شاهی) با بیش از ۱۱۱ کاروانسرا برای مسافران، سیستم کارآمدی را ایجاد کرده بود. (۵)

جاده شاهی، از شوش آغاز می شد و پس از گذشتن از میان رودان، به آسیای صغیر و شهر سارد می رسید و تا "افسوس" ادامه می یافت که طول آن بالغ بر ۲۶۸۲ کیلومتر بود. این مسیر، علاوه بر کارکردهای امنیتی، کارکردهای دیگری مانند بازرگانی و تبادل فرهنگی نیز داشت. می توان گفت که نخستین ارتباط اقوام متعدد در سطح جهان، از این طریق برقرار گردید و نمونه بارز، آن استفاده هنرمندان طلاکار ایرانی از طرح های هنر آشوری، سکایی و اورارتویی می باشد که سنت اقتباس خلاقانه را در هنر آنان بنیان نهاده است. (۵)

فرمانروایان هخامنشی که جای مادها را گرفته بودند، برای تسهیل ارتباطات با جهان آن روزگار، راه های دریایی ایجاد کردند. در زمان داریوش، یک یونانی به نام "اسکیلاس کارماندی" مأمور شد از رود سند، راه مصر را بیابد. حفر کانال سوئز، میان دریای سرخ و مدیترانه نیز نخستین بار به فرمان داریوش آغاز شد. بابل، مرکز میان رودان، از پایانه های مهم ارتباطات هخامنشیان بود و اکباتان واسط میان راه های شرق و غرب و شمال قلمرو فرهنگی ایران به شمار می آمد. (۷)

ساخت جاده ها و پل ها، حفظ و مرمت آنها و تأمین خدمات عمومی مورد نیاز مسافران جاده ابریشم، ارتباط قومی و منطقه ای را در این زمان تا سرزمین های چین، میان رودان، مصر و هند ایجاد نمود و با اقتباس خلاقانه از درون مایه های این فرهنگ ها، بارور شد. به ویژه آنکه هخامنشیان آموخته بودند که چگونه می توانند به طور منطقی در جوار یکدیگر به سر برند و چگونه می توانند از اقوام دیگر بیاموزند. تجلی این رشد تمدن و فرهنگ را می توان در صلح

دویست ساله هخامنشیان دانست که در تاریخ برای بشر فراهم شده بود تا تقریباً بدون جنگ و خونریزی، به سازندگی و تولید در زمینه‌های مادی و معنوی و مبادله دست‌آوردهای یکدیگر بپردازند. یکی از مصادیق بارز آن، کاخ تخت جمشید است که حجاری آن را ایونیان، طلاکاری آن را ساردیان و نقش آجرهای مینایی با تصاویر بابلی و تزئین دیوارها را مادها و مصریان انجام داده‌اند. برای ساختن کاخ‌های هخامنشیان، مواد و مصالح از مناطق دیگر آورده می‌شد؛ مثلاً، چوب سدر از لبنان، طلا از سارد و بلخ، سنگ لاجورد و عقیق از سغد، فیروزه از خوارزم و نقره و چوب منبت‌کاری از مصر که این نشان‌دهنده شکوه و بزرگی همکاری و هماهنگی و صلح‌جویی در میان اقوام آن امپراتوری است. (۸) از سوی دیگر، هنر هخامنش نیز بر معماری مصر و هند تأثیرگذار است که یکی از نمونه‌های آن، مربوط به زمان سلسله موریان در هند است که از طرح معماری هخامنش الهام گرفته‌اند. مجموعه این پیشرفت در تمدن را می‌توان در منشور ملل توسط کوروش مشاهده کرد. به این معنی که در قلمرو امپراتوری خود، همه قومیت‌ها و ملت‌ها را آزاد و دارای حقوق مساوی اعلام می‌نماید. (۹)

با به قدرت رسیدن سلوکیان، اکتشافات جغرافیایی در دریای خزر به منظور شناخت ارتباط این دریا با اقیانوس هند انجام گرفت. سلوکوس چهار بار سفیری را به پایتخت هند نزد "چندره گوپتا" فرستاد. این سفیر، مورخ و جغرافی‌دانی به نام "مگاستن" بود و کتاب‌هایی درباره هند به نام "ایندیکا" نوشت که جغرافی‌دانان ادوار بعد از آن استفاده کردند. (۱۰)

حضور سلوکیان در ایران، آنان را وادار به همکاری با ایرانیان کرد. به همین دلیل بسیاری از سازمان‌های اداری و شاهنشاهی ایران شکل سابق خود را حفظ نمود. (۱۱) و اسکندر و فرماندهان وی، شیوه زندگی و زرق و برق دستگاه حکومت هخامنشی را تقلید کردند. در این دوره، توسعه شهرسازی در فاصله سوریه و میان‌رودان، بیش از سایر نواحی انجام گرفت. با این همه، در فلات ایران، در ناحیه کرمانشاه، همدان، بروجرد و نهاوند، شهرهای تازه‌ای به وجود آمدند. تنها در کناره خلیج فارس، چندین بندر و شهر تازه ایجاد شد. با ظهور شهرهای جدید، بعضی از مراکز تمدن قدیمی نظیر بابل و شاهراه‌های فنیقی و سوری دچار انحطاط شد. در زمان سلوکوس، بیش از ۶۰ شهر به نام آن "تنوخیا"، (یعنی انطاکیه به اسم پدرش، آنتیوخوس) و شهری به نام "آپامه‌آ" (به نام زن ایرانی خود) و یک شهر به نام "اشتراتومیه" (به اسم زن دوم

یونانی‌اش) پدید آمدند. به این ترتیب، تلاقی دو تمدن ایران و یونان در این دوره، کاملاً محسوس است. (۱۲)

حکومت اشکانیان، حکومت دیگری است که با رهایی از فرهنگ هلنی، توانست با گسترش جاده ابریشم، داد و ستد و در نتیجه، اقتصاد پررونقی را به وجود آورد. به گونه‌ای که ایران اشکانی در این دوره، مرکز متخصصان در تجارت ترانزیت، دلالان و تشکیلات دریانوردی برای حمل و نقل دریایی شده بود. به ویژه آنکه، عوارض راهداری، درآمد هنگفتی را برای دولت اشکانی فراهم می‌کرد. جاده ابریشم، فرهنگ منزوی چین و هند را با جهان مرتبط ساخت. در دوره سلسله اشکانیان، امپراتوری چین تحت تأثیر هنر ایرانی، تجهیزات خود را برحسب الگوهای سواره نظام ایرانی مانند تیر و کمان (تیر کوتاه)، شمشیر، خنجر و زره چرمی و حلقه حلقه (که ویژه سواره نظام اشکانی بود) در میان سواره نظام چینی رواج داد. (۱۳)

کاوش‌های باستان‌شناسی و پراکندگی سکه‌های اشکانی در کنار ولگا در قفقاز، ترکستان، چین و جاهای دیگر، در نیمه سده نخست میلادی، فعالیت گسترده بازرگانی را در این دوره تأیید می‌کند. ساسانیان که وارث ایران اشکانی بودند نیز به خطوط واقع در جاده ابریشم توجه بسیار داشتند. مرکز جاده ابریشم در شهر تیسفون قرار داشت. در این دوره، علاوه بر تجارت ابریشم خام، پارچه‌های نفیس ابریشمی در کارگاه‌های ابریشم‌بافی در شوش، جندی‌شاپور و شوشتر تولید و به کشورهای چین و ژاپن و سراسر اروپا صادر می‌شد.

ساسانیان علاوه بر تجارت ابریشم، بر راه‌های خشکی و دریایی نیز تسلط داشتند. و نیروهای دریایی قدرتمند و فعال تجارتی آنها در خطوط دریایی، با قدرت امپراتوری رم در دریا‌های شرق مقابله می‌کردند و تقریباً توانستند همه را بیرون برانند و دامنه نفوذ خود را از چین تا اقیانوس اطلس گسترش دهند. پرچم مقدس "نشمو"، امپراتور بزرگ ژاپن، که در چین و ژاپن بافته شده بود، تقلیدی کامل از یک زربفت ساسانی بود که به نقاط مختلف جهان نیز صادر می‌شد و از نظر ظرافت و زیبایی، در نوع خود بی‌نظیر بود. کارهای هنری سیمین و مفرغی و پارچه‌ای دوره ساسانی، معیار زیبایی و ظرافت در سراسر جهان شده بود. حمل آتش پیشاپیش قیصرها به نشانه ابدیت قدرت در روم، به عصر داریوش برمی‌گردد. رسم روبوسی دوستان هنگام دیدار و نیز آیین دست دادن، هر دو، جزو آداب ایرانی بودند که در روم مرسوم شدند.

اعتقاد به دو اصل خیر و شر و باور به بهشت و دوزخ، توسط کشیشان مزدایی به خارج از ایران راه یافت و در گسترش یکتاپرستی نقش مهمی ایفا نمود. (۱۴)

کیش مهرپرستی در زمان "دیوکلسین" (۳۰۷ م) دین رسمی رم شد. این دین در آفریقا، شمال اسپانیا، فرانسه و حتی انگلستان گسترش یافت. علاوه براین، دانشگاه علمی "جندی شاپور" به مرکز اختلاط و آموزش علوم ملیت‌ها و اقوام گوناگون علمی آن دوره تبدیل شده بود.

در سال ۵۲۹ میلادی، هفت تن از فلاسفه آتن به دربار ایران پناهنده شدند. بسته شدن تیسفون و مراکز فرهنگی آتن توسط ژوستینین، امپراتور رم ترقی و مورد تعدی قرار دادن یونانیان، باعث شد که آنان به جندی شاپور گریخته و مورد عنایت انوشیروان قرار گیرند. از فنیقیه هرمیاس، فنیقیه ایراندور، غزه، پربکلیانوس، لیدی، اولامبوس فریژ، سمیسیوس سیلتس داماسکیوی سوریه. در دانشگاه جندی شاپور از روش‌های طبی ملل مختلف چون طب ایرانیان، هندوان، یونانیان، اسکندرانیان و سریانیان استفاده می‌شد و با تصرفاتی که در آنها به عمل آمد، طب ایران از طب یونانی کاملتر گشت. جمال‌الدین ابوالحسن قفطی در این مورد می‌نویسد:

«پزشکان جندی شاپور قوانین علاج را بر اقتضای بلاد خود مرتب کرده‌اند

و تا آن‌جا که بعضی علاج آن را بر یونانیان و هندوان هم برتری می‌دهند.» (۱۵)

برزویه طبیب بنا به دستور انوشیروان به هند رفت و کتاب کلیله و دمنه و بازی فکری شطرنج را با بعضی آثار طبی و هم‌چنین تنی چند از پزشکان هندی، با خود به جندی شاپور آورد. (۱۶) فارغ‌التحصیلان دانشگاه جندی شاپور، در بیت‌الحکمة مأمون عباسی و نیز در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های او در دوران بعد از اسلام هم فعالیت می‌نمودند. حارث بن کلدی، از مردم طائف که معاصر رسول اکرم (ص) بود، از جمله طبیبانی است که در جندی شاپور تحصیل نموده بود و آن حضرت او را برای معالجه سعد بن وقاص دعوت فرمود. (۱۷)

با ورود اسلام به ایران، خلفای اموی و عباسی در قلمرو وسیع خود از عناصر ایرانی بهره می‌جستند. به عنوان مثال مقاتل بن علی، به امورات آمل در طبرستان گمارده شد.

در سال ۱۰۵ هجری، کارگذار حکومت اموی در منطقه خراسان، مردی زرتشتی به نام "بهرام سیس" را به مقام مرزبانی منصوب کرد. دبیر حشام بن عبدالملک، فرمانروای اموی، یک ایرانی تبار به نام "ابوالعلاء" بود. اداره امور دیوانی و سازماندهی امور مالی را ایرانیان مسلمان شده (مانند پیروز و بعد پسرش زادان فرخ) انجام می‌دادند.

دفاتر دیوانی و مالیاتی تا عصر عبدالملک اموی، به زبان فارسی بود و حجاج که از برتری ایرانیان مسلمان شده دل خوشی نداشت، دستور داد آنها را به زبان عربی برگردانند. جالب اینکه کسی که این کار را انجام داد، یک ایرانی و از موالی بنی تمیم به نام صالح بن عبدالرحمن و از فرزندان اسیران ایرانی سیستان بود.

برتری قومی از طرف امویان باعث شد که ایرانیان، امویان را کنار بگذارند و عباسیان را به خلافت برسانند. عباسیان برای بقای حکومت خود مجبور شدند از عناصر دیوانسالار ایرانی بهره گیرند. ابوسلمه خلال، نخستین وزیر ایرانی و از موالی بود. ابویوب موریانی، وزیر منصور عباسی، ایرانی و اهل اهواز بود. یعقوب بن داوود، وزیر مهدی و یحیی بن خالد برمکی، وزیر هارون الرشید، ایرانی بودند. مأمون، خاندان سهل (فضل و برادرش حسن) را به وزارت گمارد.

علاوه بر وزیران، دبیران، قضات، هنرمندان، پزشکان، منجمان، مورخان، علمای حدیث، غالباً ایرانی بودند. این وزیران به ترویج و اشاعه تربیت و ادب پارسی همت می‌گماشتند. انتقال مقر خلافت از دمشق به بغداد، در پیشرفت علوم معارف پارسی تأثیر بسزایی داشت.

با آغاز نهضت ترجمه، هزاران کتاب توسط اندیشمندان ایرانی ترجمه شدند. علاوه بر این، هنرمندانی همچون گچبران، نقاشان، معماران، حجاران، پارچه‌بافان، قالی‌بافان، اسلحه‌سازان، کاغذسازان که از چین به سمرقند آورده شده بودند، به دستور یحیی برمکی در بغداد کارگاه‌هایی متعدد ایجاد کردند.

با ضعف حکومت بغداد در واکنش‌های مذهبی و سیاسی و نظامی از قرن دوم هجری، خلافت اسلامی دچار انحطاط و تجزیه گردید و امرای محلی مختلف و مستقل در ایران به وجود آمد. آرمان‌گرایی ملی آنان باعث به وجود آمدن زمینه‌های رشد و ترقی در عرصه‌های علمی و هنری گردید؛ به طوری که در عصر سامانیان، "بخارا" مرکز بزرگ تلاقی علم و هنر و دین و تجارت بین‌الملل شد و عالمان و دانشمندان بزرگ ممالک مختلف، در آن جا با یکدیگر به حشر و نشر و تبادل افکار می‌پرداختند.

اما با ضعف این حکومت‌ها و ورود چادر نشینان ترک در عرصه حکومت ایران زمین، تمدن و فرهنگ ایرانی که اساس آن به وسیله خاندان‌ها و حکومت‌های ایرانی بعد از اسلام گذارده شده بود، راه خود را ادامه داد؛ به طوری که مهمترین کارگزار حکومتی ایران در این دوره، ابوعلی حسن

ابن اسحاق، معروف به نظام‌الملک بود که از زمان آلب ارسلان تا پایان دورهٔ ملکشاه، مقام صدرات اعظمی دولت مقتدر سلجوقی را در دست داشت.

امپراتوری وسیع سلجوقی نه تنها ناگزیر از دفاع ایران و میراث ایرانیت در مقابل هجوم اقوام مختلف در شرق و غرب گردید، بلکه عامل نزدیکی میان ملل تابع قلمرو سلجوقی، یعنی نزدیکی شرق مدیترانه با اروپای جنوبی و غربی شد. (۲۰)

حملهٔ مغول و تشکیل امپراتوری نیرومند مغول در آسیای مرکزی و لزوم تسلط بر سرزمین‌های جدید و یافتن منابع تازه ثروت، خودبه‌خود مغولان را به سوی توسعه‌طلبی ارضی خارجی سوق داد و آنان با یک گرایش طبیعی، مانند تمام اقوام آسیای مرکزی، به طرف سرزمین‌های آباد و مراکز ثروتمند شهری فلات ایران متوجه شدند. این امر هرچند که در مراحل اولیه، موجب خرابی بسیاری از شهرها و کشتار عدهٔ زیادی از مردم کشور و متوقف شدن پیشرفت اقتصادی ایران شد، اما آثار مطلوبی هم داشت که از آن جمله، از بین رفتن خلافت بغداد به وسیلهٔ هلاکوخان و زوال تسلط معنوی عباسیان بر مردم ایران بود. با تشکیل امپراتوری پهناور مغولان از آسیای مرکزی تا حدود سوریه و میان‌رودان، روسیه و اروپای خاوری زمینه‌های از بین رفتن موانع و محدودیت‌های ملی و نزدیک شدن مجدد ملل مختلف به ایران فراهم گردید. در نتیجهٔ این نزدیکی، رابطهٔ بین شرق و غرب که از زمان سلجوقیان و جنگ‌های صلیبی به‌طور قابل ملاحظه افزایش یافته بود، در دورهٔ مغولان به‌طور بی‌سابقه توسعه یافت.

از همین دوره است که سیاحان و سوداگران (نظیر مارکوپولو) برای آگاهی از اوضاع و احوال شرق افسانه‌ای و دست یافتن به ثروت این نواحی و اشاعهٔ آیین مسیح، از راه اروپا و ایران به آسیا رفته و در مقابل، سفرا و نمایندگان از طرف شاهزادگان مغول (ایلخانان) روانهٔ کشورهای مختلف اروپایی شدند. بازرگانی بین‌المللی و انواع کالاهای مورد مبادله نیز در این دوران حائز اهمیت است؛ زیرا بخش عمدهٔ این بازرگانی از راه ایران، از جادهٔ معروف ابریشم در شمال و جادهٔ ادویه در جنوب بوده و اساس شروع اکتشافات بزرگ جغرافیای قرن پانزدهم و شانزدهم و انقلاب بزرگ اقتصادی و اجتماعی عهد رنسانس می‌باشد. (۲۱)

با به قدرت رسیدن صفویان و وحدت ملی و دینی در ایران، زمینه‌های بسیاری برای رشد فرهنگ و تمدن در این عهد به‌وجود آمد. به‌ویژه آنکه، اکثر پادشاهان این سلسله، خود اهل هنر و

شعر و شاعری بوده و در مکتب هرات پرورش یافته بودند. انتشار زبان فارسی دری در سرزمین‌های پهناور هند توسط مهاجرین، تا آنجا گسترش یافت که در دربار آنان، دیوان‌ها و دفاتر به زبان فارسی تحریر می‌شد. کتاب‌های زیادی در شعر، تاریخ، تصوف و دین به رشته تحریر درآمد و مکتب هندی صفوی را به وجود آورد.

در این دوران، رهبران کشیشان گرملی و آگوستینی از طرف فیلیپ دوم، پادشاه متعصب کاتولیک اسپانیا و پاپ، به تبلیغ دین مسیح پرداختند. و چندین کلیسا در جلفای اصفهان، شیراز و در نقاط دیگر، ایجاد نمودند. این ارتباط باعث شد که اتحادی میان ایران صفوی و پادشاهان عیسوی در مقابل دشمن مشترک، یعنی عثمانی، به وجود آید. (۲۲)

در دوران افشاریه، وحدت مجدد ایران و حملات نظامی نادر به هندوستان و انتقال ثروت هند به ایران، باعث ارتباط مجدد ایرانیان با هندیان گشت. (۲۳) در این دوران و دوران زندیه، کمپانی‌های هند شرقی و غربی، هم‌زمان با انتقال کالاها و ایجاد مراکز تجاری در بنادر جنوب ایران، باعث انتقال فرهنگ و تمدن اروپایی به این سرزمین شدند و در نتیجه، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایران را تحت تأثیر قرار دادند. (۲۴) اما بازتاب این اثرات بیشتر در زمان دولت قاجار شکل گرفت، زیرا در این دوران و از زمان عباس میرزا و قائم مقام فراهانی و سپس امیرکبیر بود که زمینه‌های ارتباط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران با دول اروپایی فراهم شد. ایجاد مدرسه دارالفنون، نهضت ایجاد مدارس، اعزام ایرانیان برای تحصیل به کشورهای فرنگ و بازگشت آنان به ایران، انتشار سفرنامه‌ها که دربرگیرنده مشاهدات و مطالبات در زمینه نظام حکومتی و دیگر مسائل همچون مسائل مربوط به سیستم اداری و دستگاه دادگستری انگلیس، شرح استقلال آمریکا و یا انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و نیز طرح آزادی انتخابات، تفکیک قوا، قانون و آزادی بیان بود، در واقع نظام حاکمیت پارلمانی مشروطه را در ایران معرفی نمود. مشروطه ایران از نظر عوامل بیرونی، دنباله و ادامه سیر جنبش‌های مشروطه‌گرایی بود که در بسیاری از کشورهای جهان، در آن زمان رو به گسترش نهاده بود. ارتباط با روسیه و ترکیه عثمانی و پیوندهای ایرانیان با مصر و هند و آگاهی از وقایع سیاسی و اجتماعی در چین و ژاپن، همگی زمینه‌های کوشش‌های پی‌گیرانه برای پایه‌ریزی نظام مشروطیت در ایران را فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، این انقلاب تحت تأثیر و تأثر فرایند تحولات و همبستگی همیشگی فرهنگ و تمدن بشری شکل و قوام یافت.

فرجام سخن

بررسی اجمالی سیر تاریخی حوزه تمدن ایرانی، حکایت از آن دارد که موقعیت ویژه حوزه جغرافیایی سرزمین ایران، که آن را به چهارراه و کانون پیوند شرق و غرب، تبدیل ساخته است عوامل تأثیرگذار از بیرون به درون حوزه و هم‌چنین عوامل تأثیرگذار از درون به بیرون از این حوزه جغرافیایی، همگی باعث شده‌اند که فرایندی عظیم در اعتلا و گسترش تمدن بشری پدید آید که می‌توان آن را سهم ایران در پیوستگی و همبستگی حیات بشری نامید؛ موضوعی که "ژاک پیر" تاریخ را بر آن استوار می‌داند.



منابع و یادداشت‌ها:

- ۱- تمدن، نظم اجتماعی است که در اثر آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود. به اعتقاد بعضی از جامعه‌شناسان، تمدن یا مدنیت، به سازمان اجتماعی و نظام اخلاقی و فعالیت فرهنگی اطلاق می‌شود.
- ۲- پیر آمیه، تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹، ص ۲۴.
- ۳- سرزمین میان‌رودان را که تاریخ آن به پنج هزار سال پیش از میلاد می‌رسد، می‌توان به سه بخش تقسیم نمود.

الف) میان‌رودان سفلی: که شامل سرزمین‌های سومر و آکاد می‌شود که بعد از اتحادشان دولت بابل را تشکیل دادند.

ب) میان‌رودان وسطی: که از آغاز هزاره دوم پیش از میلاد و به دنبال اتحاد سومر و آکاد دولت بابل در آن تشکیل شد.

ج) میان‌رودان علیا: که در کنار دجله بوده و دولت آشور در آن تشکیل شد و پایتخت آن ابتدا آشور بود، بعد به کال‌هو و سپس به نینوا، مقابل شهر موصل انتقال یافت.

۴- اردشیر خدادادیان، تاریخ ایران باستان، تهران، نشر تاریخ، ۱۳۷۶، صص ۸-۱۷۷.

۵- دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، بنگاه نشر کتاب، ۱۳۴۵، ص ۳۲۴.

۶- گیرشمن، ن، از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معینی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶، صص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۷- اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰، ص ۲۸۳.

۸- ریچاردن، فرای، میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۴، ص ۹۴.

۹- م. اداندامایف، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشان، ترجمه میرکمالی نبی‌پور، تهران، نشر گستره، ۱۳۵۸، ص ۳۸.

10- B. Philip, Lozinski. *The Original Homeland Of The Parthians*, New Haven, 1959. P.12.

11- R.R.S. Moorey. *Ancient IRAN*, Oxford, 1975.

12- Vh. Smithe. *The indo - Parthian dynastis*, 1906.

- ۱۳- دیاکونف، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۱، ص ۱۲۶.
- ۱۴- علی سامی، تاریخ تمدن ساسانی، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۴۲، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.
- ۱۵- ذبیح الله صفا، تاریخ علوم عقلی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷، ص ۱۷.
- ۱۶- حسینعلی ممتحن، سرگذشت جندی شاپور، اهواز، دانشگاه جندی شاپور، ۱۳۴۷، ص ۳۵.
- ۱۷- حسینعلی ممتحن، راز بقای تمدن و فرهنگ ایران، تهران، انتشارات دانشگاه ملی (شهید بهشتی)، بی تا، صص ۳۵ - ۲۵.
- ۱۸- لارنس لاکهارت، میراث ایران از نظر مردم زمین، ترجمه مشفق کاشانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۰، صص ۵۰۳ و ۵۰۴.
- ۱۹- عدنان مزارعی، تاریخ اقتصاد و اجتماعی ایران از آغاز تا صفویه، تهران، انتشارات مرد مبارز، ۱۳۴۸، صص ۲۱۴ و ۲۱۵.
- ۲۰- ولادیمیر تسف، چنگیزخان، ترجمه شیرین بیانی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۷، ص ۳۴.
- ۲۱- ابوالقاسم طاهری، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس، تهران، انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۴، صص ۸۱ - ۲۸.
- ۲۲- لارنس لاکهارت، نادرشاه، ترجمه مشفق همدانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷، ص ۱۲۴.
- ۲۳- فریدون آدمیت، ایدئولوژی مشروطیت، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵، ص ۲۷. هم چنین برای اطلاع بیشتر ن.ک. به: احمد کسروی، مشروطیت ایران، تهران، انتشارات کتاب حبیبی، بی تا، ج ۱، صص ۲۸ و ۲۹.